



نشریه فرهنگی
اجتماعی سیاسی
شماره ۶۰
دی ماه ۱۴۰۰

ویژه نامه ساکندر دشتادست

سرردار سلیمان میر



در این شماره می خوانیم:

- ابعاد سیاسی و حقوقی یک ترور

- تبیین وصیت نامه یک سرباز

- داستان دی ۱۳۹۸

- دل نوشت

- مردم از او می گویند

- از نگاه همه مرد بود

پشت دیوار شب

پشت دیوار شب

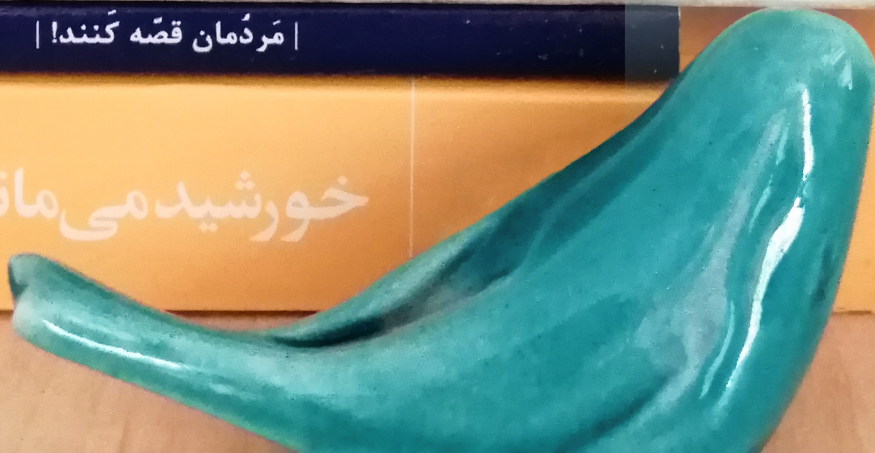
دیدم که جانم می رود ا

سهم من از عاشقی

مردی نه مثل هیچ کس

مردمان قصه کنند!

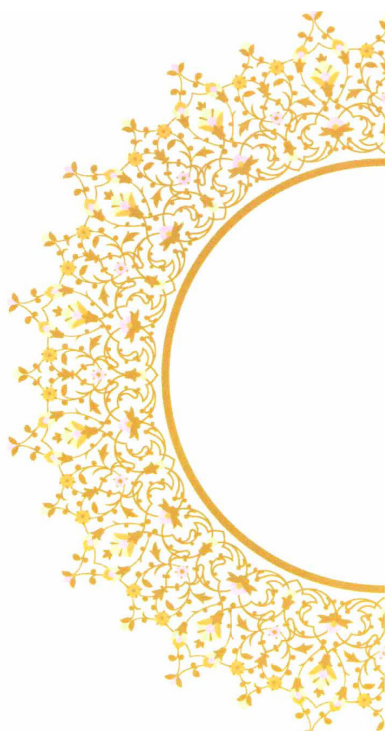
خورشید می ماند





فهرست مطالب

۳	سرمقاله
۵	پشت دیوار شب
۹	دیدم که جانم می رود
۱۳	سهم من از عاشقی
۱۴	مردی نه مثل هیچ کس
۱۷	مردمان قصه کنند
۱۹	خورشید می ماند



بِسْمِ اللَّهِ الْمُنْتَقِمِ الْجَبَّارِ



نشریه فرهنگی اجتماعی سیاسی
شماره ۶۰ / دی ماه ۱۴۰۰



صاحب امتیاز :
بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان

مدیر مسؤؤل : زهرا رامک

سردبیر: نازنین قاسمی

طراحی و صفحه آرایی : نازنین قاسمی

هیئت تحریریه :
زهرا رامک، ابوالفضل خرم روز،
عرفان شوردزی، مهر انگیز جعفری
پور، عارفه زراعتی، زینب کریمی،
زهرا ایزدی

نشانی :
دانشگاه اصفهان، طبقه فوقانی
مصلی الغدیر، واحد خواهران بسیج
دانشجویی دانشگاه اصفهان

آدرس الکترونیکی
Info@uisb.ir

شبکه های مجازی
@Ui-sb3



این نشریه با حمایت مادی و
معنوی اداره کل امور فرهنگی
دانشگاه اصفهان منتشر می شود

به وقت اعتراف دلشنگی



به نام خدا

"آن عماد تکیه و امید ایرانشهر

شیرمرد عرصه ناوردهای هول

پور زال زر جهان پهلو...

آنکه هرگز چون کلید گنج مروارید

گم نمی شد از لبش لبخند

خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان

خواه روز جنگ و خورده بهر کین

سوگند"

نمی دانم مهدی اخوان ثالث وقتی این شعر را می سرایید می دانست که به راستی روزی سورت سرمای دی بیداد خواهد کرد و دلمان را خواهد لرزاند یا نه.

به وقت ۱۰:۲۰ نیمه شب جمعه ۱۳دی سورت سرمای دی بیداد می کرد؛

صبح که برخواستیم یتیم بودیم.
مالک اگر مالک بود به سان کوه
ایستاده بود، کسی گمان نمی کرد
صبح که برخیزد کوهی تکه تکه
شده باشد.

"ور بپرسی راست، گویم راست

قصه بی شک راست می گوید "

نسل هایی که انقلاب را با راهپیمایی های ضد طاغوتی عظیمش، جنگ را با صف های طویل رزمندگان، دهه شصت را با تشییع های هر روزه شهدايش و سال ۶۸ ش را با تشییع عظیم امام راحلش ندیده بودند؛ تشییع میلیونی را بعد از ۳۰ سال در ایران رقم زدند! این یعنی برخلاف تبلیغات رسانه های مزدور، ملت ما بیدار است.

"بکشید ما را ! ملت ما بیدارتر می

شود."

"انتقام بیشه بعد از شیر سخت و محکم است"

چه کسی جز جمهوری اسلامی ایران جرئت داشت مستقیماً به یک پایگاه آمریکایی حمله کند؟

به خارج شدن نیروهای ایالات متحده از افغانستان نگاه کنید! این تعجیل برای فرار بی سابقه نیست؟!

بعد از شهادت سردار، موجی از مطالبه انتقام سخت شکل گرفت؛ اما آیا انتقام سختی که وعده داد شد از یاد رفت؟ یا حمله به عین الاسد تقاص خون کسی بود که جریان مقاومت در منطقه غرب آسیا را میدانی فرماندهی می کرد؟

آمریکا باید به تقاص خون سردار شهید سلیمانی خانه هایی که متعلق به او نیست را ترک کند!

هیچکدام

"و لایحسبن الذین کفروا سبقوا
انهم لایعجزون" ۵۹ سوره انفال

مسلمانان برای گرفتن انتقام چنین فردی، تنها زدن یک پایگاه آمریکایی ولو با گرفتن تلفات زیاد کافی نیست.

نویسنده: زهرا رامک

اگر به مشکلاتی که در این دو سال گریبان گیر آمریکا شده است نگاه کنید می فهمید آمریکایی که عنوان ابرقدرت را با خود یدک می کشید آنچنان در سراشی بی افول افتاده که در دهه های اخیر بی سابقه بوده است.

نابودی عین الاسد، بازشدن راه برای شکستن هیمنه پوشالی آمریکا بود.

شکست دپوآر



ابعاد حقوقی و سیاسی ترور شهید سلیمانی

سطح فردی

در سطح فردی، نخبگان سیاسی و نظامی علاوه بر تقبیح رویکرد آمریکا در منطقه؛ سطح دشمنی و تهاجم با آمریکا را از یک رویکرد دفاع محاورانه و بازدارنده به رویکردی تهاجمی تغییر دادند. منظور از رویکرد تهاجمی این است که سیاست نظامی ایران در منطقه (خروج آمریکا از منطقه) شد. آمریکایی که از سال ۲۰۰۱ و پس از آن یعنی سال ۲۰۰۳ به خاورمیانه آمد و جنایات هولناکی را مرتکب شد اما امروز شاهد آن هستیم که با زیان فراوان و به قول خودشان ضرر تریلیون دلاری در حال خروج از منطقه است.

رهبران جمهوری اسلامی پس از شهادت سردار سلیمانی سطح بازدارندگی و دفاعی کشور را تقویت کرده و پس از آن جدیت بیشتری در عمل و نظر نشان می‌دهند. البته این سخن بدان معنا نیست که ایران از قبل آماده نبوده بلکه منظورمان این است که در برابر اشخاصی همچون ترامپ که بدون محابا و بدون توجه به موازین حقوقی بین المللی دست به چنین جنایاتی می‌زنند، باید آمادگی بیشتری داشت. ایران پس از زدن پایگاه عین الاسد، ثابت کرد که در دفاع از خود

سردار شهید سپهد حاج قاسم سلیمانی، آسمانی بر روی زمین بود که در نیمه شب ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ نیروهای تروریستی آمریکا در عراق او را به درجه رفیع شهادت نائل نمودند. بی شک، سردار سلیمانی یکی از شجاع‌ترین و زنده‌ترین افراد در زمینه جنگ سخت بود که عملاً محور مقاومت با نظر و استراتژی‌های او فعالیت می‌کرد. شهید کردن یا بهتر است بگوییم جنایت آمریکا در این رابطه به هیچ وجه بخشودنی نیست و آمریکا روزی طعم انتقام سخت را خواهد چشید. این انتقام سخت در بُعد بلند مدت خود خروج آمریکا از منطقه است که در حال حاضر شاهد آن هستیم؛ می‌بینیم که آمریکا از افغانستان و اکنون از عراق در حال فرار است. در این مطلب قصد داریم از منظر سیاسی و حقوقی به بررسی ترور سردار شهیدمان بپردازیم و ثابت کنیم که روح سردار از جسم وی برای دشمنان ایران و انقلاب خطرناک‌تر است. برای تحلیل حکومت‌ها و عملکردشان در سه سطح فردی، ملی یا دولتی و فراملی یا بین المللی تحلیل صورت می‌گیرد. شهادت سردار را به علت تاثیر گسترده‌ای که در روابط و حضور منطقه‌ای و بین المللی، همچنین در سطح نخبگان سیاسی داشته است در این سه سطح بررسی خواهیم کرد.



به گونه‌ای که در چند ماه اخیر با شروع به کار کردن دولت آیت الله رئیسی، کشور ایران عضو سازمان همکاری‌های شانگهای شد و این به معنای ارتباط قوی ایران در منطقه آسیای مرکزی و سود فراوان حاصل از این عضویت است.

پس از حمله به عین الاسد، آن ابهت پوشالی آمریکا در اذهان شکست و حال گروه‌های مختلف مقاومت، پس از هر خطای آمریکا به راحتی پایگاه‌ها و کاروان‌های آنان را مورد حمله قرار می‌دهند و این نشان دهنده این است که "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند."

سطح بین المللی

همانطور که گفته شد سردار سلیمانی تنها یک شخصیت نظامی نبودند بلکه در جای‌جای جهان مظلومان حضور داشته‌اند و در قلب همه نفوذ کرده بودند. پس از ترور ایشان مردم بسیاری از کشورهای منطقه و حتی در نقاطی از اروپا تظاهراتی به راه انداختند. حاج قاسم از بوسنی گرفته تا افغانستان نفوذ داشت و حضور او یک حضور قلبی و منطقی بود. ایشان یک شخصیت بین‌المللی تمام عیار بودند که تمام سازمان‌های جاسوسی از جمله سیا، موساد و ام آی سیکس و حتی عربستان به دنبال او بودند ولی ایشان هر بار با خنثی کردن نقشه‌های دست پرورده‌های این کشورها، ضربه مهلکی به آنان وارد می‌ساخت. ایران پس از حمله به عین الاسد در سطح جهانی غوغا به پا کرد به طوری که از آن پس، مقتدرتر از قبل، کشتی‌های ما بدون کوچکترین مزاحمتی در آب‌های بین‌المللی تا آمریکای جنوبی می‌روند و از کنار ناوهای جنگی آمریکایی و انگلیسی می‌گذرند. به جرأت می‌گوییم که کمتر کشوری در جهان توانسته است این گونه جلوی آمریکا بایستد آن هم به گونه‌ای که اگر لازم باشد سرقت نفتی این کشور

جدیت کامل دارد و اگر کسی برایش گردن کجی کند گردنش را می‌شکند. این ادعا را می‌توان در تعداد روز افزون آسیب دیدگان مغزی حمله به عین الاسد مشاهده کرد. هر چند که این حمله در سطح ترور حاج قاسم نبود چراکه به قول سید مقاومت، ارزش کفش حاج قاسم از سر ترامپ بیشتر است.

سطح منطقه‌ای

در حال حاضر تروریست‌های آمریکایی و اسرائیلی به خوبی فهمیده‌اند که با ترور سردار سلیمانی، کابوس هر شبشان به اتمام نرسیده است. به خوبی متوجه شده‌اند که سردار سلیمانی تنها بخش مهمی از پازل مقاومت در سطح منطقه بود نه همه آن چون حاج قاسم و امثال او، مثل گل‌های دشت می‌مانند که در سخت‌ترین شرایط رشد می‌کنند و بسیار مقاوم هستند، با کندن هر گل، گل دیگری می‌روید. حاج قاسم تنها یک شخصیت نظامی نبود؛ بلکه یک شخصیت دیپلماتیک نیز بود. در دیدارهایی که ایشان با پوتین، رئیس‌جمهور کشور روسیه، داشته است، در اقناع روسیه برای حضور در سوریه و کمک‌های مختلف نظامی مثمرتر بوده‌اند. به جرأت می‌توان گفت که شخصیت‌های مهم منطقه همچون پوتین از سردار دلها بیشتر از دیپلمات‌های وقت حساب می‌بردند. شهادت ایشان در سطح منطقه همانطور که در ابتدا گفته شد تاثیری در سیاست‌های منطقه‌ای ایران نداشت. سردار قآآنی به عنوان فرمانده جدید سپاه قدس حداقل به خوبی در میدان جای سردار عزیزمان را پر کرده است؛ بماند که این فقدان داغی ابدی در سینه است. مناسبات منطقه‌ای ایران، پس از دولت دوازدهم و با رویکار آمدن دولت جدید به شدت تقویت شده است.



(همان، ص ۴۸۶) لذا این عمل آمریکا نقض آشکار این اصل است. این اصل دو استثنای مهم هم دارد، اول اقدامات نظامی به تشخیص شورای امنیت سازمان ملل متحد و دوم دفاع مشروع. ماده (۴۲) منشور در مورد تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد این گونه مقرر داشته است: «هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ ممکن است نامتناسب بوده و یا در عمل غیر متناسب بودن آن معلوم گردد، می‌تواند به وسیله قوای هوایی یا دریایی و یا زمینی، عملیاتی را که برای نگاهداری یا برقراری صلح و امنیت بین‌المللی لازم بدانند انجام دهد. این عملیات ممکن

است شامل تظاهرات نظامی و یا اقدامات محاصره‌ای و یا عملیات دیگری که به وسیله قوای هوایی یا دریایی و یا زمینی اعضای ملل متحد انجام می‌گیرد، باشد.» ترور شهید سلیمانی(ره) مصداق این استثنای مهم نیست چرا که شورای امنیت ملل متحد در مورد چنین اقدامی تصمیمی نگرفته است به همین دلیل تنها توجیه آمریکا برای چنین اقدامی دفاع مشروع است. دفاع مشروع آن وضعیتی است که به کشور تجاوز شده اجازه می‌دهد فوراً دشمن

را خنثی کند. کسانی که در آب‌های بین‌المللی این گونه در مقابل آمریکا با آرامش وطمأنینه ایستادگی می‌کنند بی‌شک همگی پرورش‌یافتگان مکتب شجاعت حاج قاسم سلیمانی هستند.

ابعاد حقوقی ترور

شهادت حاج قاسم(ره) توسط ایالات متحده آمریکا نقض واضح حقوق بین‌الملل و اصول آن است و جرم تجاوز محسوب می‌شود. یکی از این اصول اصل عدم توسل به زور است که به عنوان قاعده آمره توسط جامعه بین‌الملل پذیرفته شده است. (ضیایی بیگدلی، ص ۱۷۹) بند (۴) ماده (۲) منشور ملل متحد اینگونه مقرر می‌دارد: «همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید و استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر و یا به هر نحو مغایر با اهداف ملل متحد خودداری کنند.»

بر طبق این ماده، «منشور ملل متحد، ممنوعیت کلی و عام هرگونه توسل به زور را مدنظر دارد و اعضای سازمان را ملزم می‌سازد که در روابط بین‌المللی میان خود، از توسل به تهدید یا اعمال قدرت، چه علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر کشور و چه هرگونه رفتار دیگر که با اهداف ملل متحد مغایر باشد، خودداری کند.»



~~Donald Trump: Iran is a terrorist nation!~~

Who_is_a_terrorist_now?

چه کسی - واقعاً - تروریست است؟



را از بین ببرد. « شرط اولیه دفاع مشروع، محرز و مسلم بودن عمل تجاوز مسلحانه است؛ به این معنی که در وهله اول باید تجاوز مسلحانه و زور مدارانه ای صورت گرفته باشد و عملیات تجاوزکارانه تجلی خارجی و عینیت پیدا کرده باشد.» (همان، ص ۴۹۳) آمریکا ترور شهید سلیمانی(ره) را دفاع قاطع خود برای حملات آتی دانست اما پیش دستی در حمله به انگیزه وقوع تجاوز احتمالی آینده به طور کامل مردود شمرده شده است.

در خصوص ترور سردار سلیمانی می توان به قطعنامه تعریف تجاوز نیز که در سال ۱۹۷۴م به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید استناد کرد. این قطعنامه مشتمل بر ۸ ماده است که در ماده (۱) آن تجاوز به طور کلی تعریف شده است. ماده (۱) این قطعنامه اینگونه بیان می دارد: « تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح به وسیله یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر یا کاربرد آن از دیگر راه های مغایر با منشور ملل متحد به گونه ای که در این تعریف آمده است.» همچنین در ماده (۲) هم آمده است: «پیشی جستن یک کشور در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد، گرچه شورای امنیت طبق منشور می تواند نتیجه بگیرد که احراز وقوع تجاوز با توجه به دیگر شرایط مربوط، از جمله کافی نبودن شدت اقدامات به عمل آمده یا نتایج آنها قابل توجیه نیست.» پس بر طبق این ماده نه تنها آمریکا در این ترور تجاوزکار است بلکه عملیات نظامی علیه آمریکا براساس اصل دفاع مشروع، حق ایران است. در این قطعنامه مصادیق عمل تجاوزکارانه

هم اشاره شده است، بر طبق ماده (۳) آن حمله مسلحانه به نیروهای زمینی، دریایی یا هوایی یا ناوهای هوایی و دریایی غیرنظامی یک کشور مصداق بارز تجاوز است که می توان در مورد محکومیت ترور شهید سلیمانی(ره) به آن استناد نمود.

همچنین این اقدام جنایتکارانه نقض کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرایم ارتكابی علیه اشخاص حمایت شده بین المللی نیز هست. بر طبق بند ب ماده (۱) این کنوانسیون که ایران و آمریکا هم عضو آن هستند کلیه نمایندگان و کارمندان یا شخصیت های رسمی هر کشور یا هر کارمند و شخصیت رسمی یا مأمور دیگر یکی از سازمانهای بین المللی یا بین دول هنگام وقوع جرم علیه شخص یا اماکن رسمی و محل سکنی شخصی و یا وسائل نقلیه او، حق دارد به موجب حقوق بین الملل از حمایت مخصوص در مقابل ایراد لطمه به شخص و آزادی و حیثیت و اعضای خانواده خود که با او زندگی می کنند برخوردار گردد. در ماده (۲) هم ارتكاب عمدی قتل و ربودن یا نوعی دیگر حمله علیه شخص یا آزادی شخص مورد حمایت بین المللی در قوانین داخلی هر یک از کشورهای طرف کنوانسیون جرم محسوب خواهد شد، بر همین اساس دولت ایالات متحده آمریکا در جریان این ترور دارای مسئولیت است.

پیگیری مستمر پرونده حقوقی این ترور در محاکم بین المللی در بُعد مسئولیت دولت ایالات متحده آمریکا و مسئولیت کیفری اشخاص دخیل در این ترور، یکی از ابعاد انتقام سخت است و امید می رود دولت ایران در این امر قاطعانه عمل کند.

نویسندگان: ابوالفضل خرم روز
و عرفان شوردزی



دیدم که جهانم مررود...

بسم رب الشهداء و الصدیقین

به امید گوشه چشمی از سردار

صبح جمعه ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ را خوب یادم هست؛ روی نیمکت سرد ایستگاه اتوبوس کنار بقیه ی خانم ها نشسته بودم و کتاب به دست مطالب امتحانی را مرور می کردم و با وجود باد سرد اوایل زمستان و اضطراب امتحان درس عمومی که ساعتی بعد برگزار می شد سعی می کردم روی مطالب تمرکز کنم و حواسم را جمع کنم که هروقت اتوبوس آمد نفر اولی باشم که سوار می شود.

با طولانی شدن زمان انتظار ایستادم و شروع به قدم زدن کردم ولی فایده ای نداشت ظاهرا اتوبوس شرکت واحد قصد نداشت به این زودی ها بیاید.

بی حوصله موبایلم را از کوله ام درآوردم و شروع به چک کردن پیامرسان ها کردم که ناگهان چشمم به یک خبر خیره شد. متن خبر ناگوار، شوکه کننده و کوتاه بود: "سپهد حاج قاسم سلیمانی صبح امروز در

پی حمله هوایی نیروهای آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رسید.»

ظهر جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ حالم وصف شدنی نبود؛ احساسم ترکیبی از ناراحتی، بی خبری، نگرانی و اضطراب بود. مدام اخبار جدید خبرگزاری ها را چک می کردم به امید اینکه بنویسند خبرشهادت حاج قاسم شایعه بوده است یا حتی یک منبع موثق خبر را تکذیب کند. اما دریغ ...

هر لحظه که می گذشت مطالب بیشتر و ناگوارتری در رسانه ها پخش می شد و حال من منقلب تر. با ناامیدی تلفن همراهم را داخل کوله جای دادم و به قصد بازگشت به خانه سوار اتوبوس شدم.

روی اولین صندلی خالی خودم را جای دادم و محزون به آدم ها و ماشین ها و مغازه هایی که از قاب پنجره اتوبوس دیده می شد چشم دوختم.

لحظه ای بعد در کنار دختر جوانی نشست که موهایش آزادانه از زیر شال بیرون زده بود و آرایش غلیظ روی چهره اش بود. نگاهم را از روی صورتش برداشتم و دوباره به قاب پنجره چشم دوختم.

دقایقی از حرکت اتوبوس نگذشته بود که صدای صحبت کردن دو نفر که صدلی های پشت سر را اشغال کرده بودند نظرم را جلب کرد.

خانم مسن با صدایی عصبانی و خسته می گفت: « دیدی بالاخره این اجنبی ها زهر خودشونو به این ملت ریختن؟؟ دیدی سردارمونو کشتن؟؟ خدا نگذره ازشون مگه این مرد چه کارشون داشت؟ کی خواست به کسی آسیب بزنه؟ مگه غیر از این بود که برای دفاع از بی پناهان مسلمون و کمک به محروم ها و سختی دیده ها کمر همت بسته بود؟»

خانم میانسال که کنارش به صدلی تکیه داده بود کمی خودشو جلوتر کشید و گفت: «خب به خاطر همین کارهاش و کمک هاش بود که یه عده چشم دیدنش رو نداشتن. الهی که روسیاه بشن که یه ملت رو سیاه پوش کردن.»

دختری که کنار من روی صدلی نشسته بود جلوی ریزش اشکی از گوشه چشم

هایش رو گرفت و گفت: «تا بوده همین طور بوده؛ کلاغ ها همیشه دنبال بهترین ثمرهای یک باغ هستن. حاج قاسم بهترین میوه ی بهترین درخت باغ ایران بود.»

با شنیدن حرف هاشون حس تنهاییم کمتر شد. اینکه فهمیدم فقط من نیستم که احساس بی پناهی و ناراحتی مثل خوره داره از درون منو نابود می کنه و هستن آدم هایی که مثل من سوگووار در غم از دست دادن یه قهرمان هستن.

صبح دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۸ حالم قابل مقایسه با روزهای قبل نبود. امروز از صبح چیزی شبیه به یک گوی راه گلویم را بسته بود، صدایم خشدار، رنگ چهره ام پریده، دستهایم سرد و لرزان و قلبم ... وای از قلبم که مثل یک گلوله از آتش در سینه می تپید.

از سرتا پا سیاه پوشیده بودم همانند دختری که در مراسم ختم پدر قهرمانش شرکت می

کند. بسم الله گویان از خانه بیرون آمدم، سوز سرمای زمستان می خواست لرز به وجودم بیندازد؛ ولی گلوله آتش درونم حرارتی داشت که با هیچ سرمای خاموش نمی شد. با نگاهی به اطراف متوجه شدم که همسایه ها نیز قصد شرکت در مراسم را دارند. با گروهی از خانم های همسایه وارد خیابان اصلی شدیم و پا به پای دیگران مسیر را شروع کردیم. هر لحظه تعداد کسانی که از مسیرهای فرعی وارد خیابان اصلی



برای تشییع پیکر سردار می شدند بیشتر و بیشتر می شد مثل جویبار هایی که قرار است همگی دریا شوند.



نفر اول هم می آمدم. مگه می شه که یک مادر در تشییع جنازه پسرش شرکت نکنه؟»
حقیقتا لحظه ای جا خوردم؛

همینطور که نگاهش می کردم با سر حرفش را تایید کردم و زیر لب گفتم: «بله مادر جان شما درست می فرمایید. ولی مسافت طولانیه و شما هم خسته میشین حداقل بگذارید کمک تون کنم که یک جا بنشینید و خستگی در کنید.»

از گوشه چشمش نگاهی به من انداخت و گفت: «اولا اونی که خسته است دشمنه، دوما همین آدمی که الان اومدیم برای تشییع جنازه اش از انقلاب تا الان رو برای مردم ایران، برای تمام مسلمانان و برای مظلومان قدم برداشته و سختی کشیده و رنج دیده و حتی یکبار نخواست خستگی درکنه یا گوشه ای آرام استراحت کنه...»

«الان که اون قهرمان آرام خوابیده نوبت ماست که به جای اون قدم برداریم.» حقیقتا حرفش تا عمق وجودم نفوذ کرد طوری که لحظه ای احساس کردم یک نور به وجودم تابیده است.

حین راه رفتن با واکر دوشادوش من به صحبت هاش ادامه داد: «اینکه می گم ما باید قدم برداریم نه اینکه فکر کنی سردار فقط کسایی رو میخواد که توی مراسم تشییع جنازه اش شرکت کنند یا عکسش رو توی موبایل هاشون و فضاهای مجازی بزارن، یا اینکه یک میدان یا کوچه یا خیابان رو به نامش بزنند، نه جانم سردار

به خاطر شلوغی

و تعدد افراد، همگی آرام آرام و قدم قدم پیش می رفتیم. در میان جمعیت تشییع کنندگان از همه گروه های سنی دیده می شد؛ از پیرمردی قامت خمیده تا نوزادی که شاید تنها ۳۰ روز از چشم به جهان گشودنش می گذشت. این طیف از گروه های سنی گام هایم را استوار تر می کرد، اینکه با چشم ببینم کودکان چگونه عکس سردار را به سینه چسبانده و دست در دست والدین شان مسیر را می پیمایند یا حتی خانم ها و آقایان مسن و سالخورده ای که با وجود بیماری ها و سختی های مسیر از آمدن منصرف نشده بودند مرا به ادامه دادن راهم دلگرم تر می کرد.

ظهر دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۹۸ حوالی ظهر بود به جمعیت نگاهی انداختم و وقتی سرم را سمت چپ بردم پیرزنی با حدود ۸۰ سال سن را دیدم که با واکر آرام آرام راه را می پیمود و زیر لب ذکر می گفت. کمی به او نزدیک شدم و سلام کردم. همانطور که لبش از ذکر گفتن نمی ایستاد و با دقت واکر را به جلو می برد نگاهی گذرا به من انداخت و زیر لب جوابم را داد.

همانطور که خیره نگاهش می کردم گفتم: «مادر جان شما چرا با این حالتون آمدید تشییع...؟» هنوز جمله من به انتها نرسیده بود که گفت: «مگه حال من چه مشکلی داره؟ شکر خدا خیلی خوب و سرحالم؛ حتی اگه حالم بد هم بود باز هم می آمدم؛



اگر دنبال این چیزها بود چندین سال در میدان های نبرد و میان سنگ و خاک و آتش و گلوله عمرش را سپری نمی کرد.»

« اون چیزی که سردار قلبا از مردم این کشور علی الخصوص جوان ها میخواد اینه که پشتیبان ولایت فقیه باشند، هیچ موقع آقا رو تنها نگذارن علی الخصوص این زمان که دشمن این همه داره فشار وارد می کنه. چیزی که سردار میخواد اینه که مراقب کشورمون باشیم و نگذاریم اجنبی ها این خاکی که براش خون هزاران هزار آدم روی زمین ریخته شده رو تصرف کنند و محافظان خوبی در نبود سردار باشیم.»

« ایشون میخواد که ما ایمان داشته باشیم و خودمون رو باور کنیم و برای بهتر شدن و رسوندن ایران به اوج تلاش کنیم. میخواد ما به یک سری اختلاف هایی که بین شیعه و سنی هست بی توجه باشیم و اتحاد داشته باشیم و به مسلمانان محروم سرتا سر جهان کمک کنیم.»

حرف هاش مثل آب پاک و زلالی بود که

جرعه جرعه روح خسته ام می نوشید و حالم بهتر می شد طوری که حس می کردم این من، من لحظات قبل نیست. همچنان که دوشادوش پیرزن حرکت می کردم با خودم گفتم خدایا به تمام جوان های این سرزمین توفیق بده که بتوانند در راه حق و ولایت قدم بردارند.

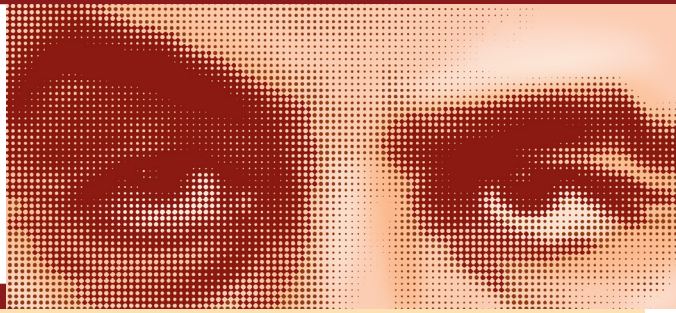
تا چند روز تشییع شهر به شهر ادامه داشت. باور نمی کردم منی که تشییع امام راحل را ندیده ام روزی به چشمم ببینم که ایران یکپارچه دوباره برای کسی سیاه بپوشد. برای سردار، ملت ها دوشادوش هم سیاه پوش شده بودند.

به راستی که او رستم بود؛ ایران جز برای آزادمردان سیاه نمی پوشد.

مهرانگیز جعفری پور



سهام من از عاشقی



بسمه تعالی

ای فرخ آن سری که زندهش به تیغ یار
وی خرم آن تنی که کِشندش به دار عشق

مثل همیشه داشتیم بدون ترس و دلهره
زندگیمان را می کردیم. غم بود، شادی بود،
مرگ و میر بود، کار و تفریح هم بود. اما یک
شب خوابیدیم و صبح که بیدار شدیم همه
چیز فقط شده بود ترس و غم. با صدای
گریه خانواده بیدار شدیم و انگار همه چیز
بوی نا امنی می داد. مجری اخبار از شهادت
تو می گفت که یک ایران به پشتوانه نامت
امنیت داشت. آن روز صبح شادی از دل ملت
رفت و ترس و غم بر قلبشان چیره شد.

شده بودیم مثل یک خانواده که ناگهان
چشم باز می کند و می بیند پدرشان را
ناجوانمردانه کشتند. غم فقدان تو که بارها
لبخندهای «رحماء بینهم» و اخم های «اشداء
علی الکفار» قلب هایمان را پرتپش کرده
بود، سینه هایمان را تنگ می کرد؛ سهم
من از عاشقی، چشم هایت بود.

دستی که سیاستمداران دنیا آرزو داشتند که
در دستشان بفشارند، با آن انگشتر سرخ،
نمادی از علمداری ات برای ولایت شده بود؛
ولایتی که آن را یکی از شئون عاقبت به
خیری دانستی و برای اثباتش قسم جلاله
خوردی و با شهادتت اثبات کردی که عاقبت
به خیر شدی. مالک اشترمان! شبیه قاسم
بن الحسن شده بودی.

تو سایه سر امت بودی و تنها حضورت
دشمنان را به عقب می راند. همان «فرزند
زهرايي» که مسیحیان روی دیوار کلیسایشان
نوشتند «فرزندان مریم را نجات داد». به
همان اندازه که دریای وجودت در برابر

کودکان و مظلومان آرام بود، در مقابل
شقی ترین انسان ها طوفانی می شد.

روزهای سخت نبودنت را سخت گریستیم
و برای بدرقه ات قطره قطره موج شدیم.
رهبرمان که بگوید: «اللهم اننا لا نعلم
منه الا خيرا» دیگر هیچ حرفی برای
گفتن باقی نمی ماند. باید آن لحظه
از غمت جان می دادیم. هر بار که
پاره تنت، دخترت، می خواند: «آه ای
مرگ خونین من!» دلمان می لرزید و
اشکمان روان می شد.

هر انسانی عمر محدودی دارد، می
آید، مدتی را به خواب و خور می
گذرانند و بعد می رود؛ طوری که انگار
از آغاز نبوده است؛ اما تو مصداق
«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل
الله امواتا» هستی، تو نمرده ای، بلکه
پیامبرگونه مکتبی از خود به جای گذاشته
ای که زمینه ساز پرورش و تربیت قاسم
هاست. آن کودکی که بین نماز، گل را از
دستش گرفتی و روی زانویت نشاندی، تو را
فراموش نمی کند چه رسد به مایی که
امنیت و آرامشمان را مدیون تو هستیم.

مردی از تبار مالک ها بودی که رفتی؛
اما مکتبی به جا گذاشتی که مالک پرور
است. دو سال است که مادران، شب
ها رشادت هایت را لالایی می کنند و در
گوش فرزندانشان خود می خوانند. شهادت
تو، حاج قاسم، نماد این سخن امام
خمینی(ره) است که فرمود: «بکشید ما
را! ملت ما بیدارتر می شود.»

نویسنده: عارفه زراعتی

مردی نه هیچ کس مثل



آیت الله العظمی مکارم شیرازی: شهادت

بسیار دردناک سردار بزرگ اسلام و فرمانده بی نظیر و شجاع همه را تکان داد. او مردی بزرگ و کم نظیر و بسیار آگاه بود که نام او در تاریخ اسلام و جهان به عنوان سرداری بزرگ، باقی خواهد ماند و راهش پر رهرو. جنایتکاران آمریکایی با این عمل وحشیانه قبر خود را کردند و انتقام شدیدی در انتظار آنهاست. شهادت حاج قاسم سلیمانی زمینه سقوط قطعی دشمن را فراهم خواهد کرد.

آیت الله سید علی خامنه ای: یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.



حجت الاسلام والمسلمین سید صدرالدین قبانچی - امام جمعه نجف اشرف:

شهید سلیمانی به شهادت و گواهی تمام فرماندهان عراقی مرد شماره یک در پاسداشت استقلال و محافظت از عراق در برابر داعش بود. شهید ابومهدی المهندس نیز مرد شماره یک در فرماندهی حشد الشعبی بود. به این جهت ما بعد از مرجعیت در تشکیل حشد الشعبی، مدیون این بزرگواران و مدیون جمهوری اسلامی هستیم که شریک اساسی در بیرون راندن داعشیان از عراق بودند. این دو شهید با تکیه به ارزش‌های امام حسین (ع)، در اوج شجاعت و تواضع بودند، در اوج مهربانی به همه بودند، در اوج تدین و تهجد و نماز شب و تلاوت قرآن بودند، در اوج مهربانی به خانواده‌های شهدا و یتیمان بودند. اندیشه حاج قاسم سلیمانی بر این بود که پیاده‌روی زائران در اربعین جهانی شود و تفکر این دو شهید بالاتر از مرزهای قومی و قبیله‌ای است.



آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

شهیدی که دوران زندگی خود را وقف اسلام و خدمت به مردم و پاسداری از ارزش‌های اسلامی نمود؛ آن شهید سعید از عاشقان و دلباختگان حضرات معصومین به ویژه سالار شهیدان حضرت سید شهدا (علیهم السلام) بود که با پیروی از مکتب نورانی اهل بیت در نبرد با دشمنان اسلام و تروریست‌های خائن و کج اندیشان مذهبی در صف اول مبارزه بود.

آیت الله سید علی خامنه ای: شهید سلیمانی، هم در زمان زنده بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد. یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت. قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این جور برجسته کرد. شهادت او، زنده بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه‌ی دنیا کشید. شهید سلیمانی به هر دو حُسنین رسید؛ هم پیروز شد هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کَلَّمَا الْحُسَيْنِيْنَ را به این شهید عزیز داد و با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد. شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد. آمریکایی‌ها کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه‌ی با تروریسم بود ترور کردند. در میدان روبه‌روی جنگ با او مواجه نشدند، دولت آمریکا دزدانه و بزدلانه او را ترور کرد؛ این کار مایه‌ی روسیاهی آمریکا شد. ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی‌آید. او یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه‌ی نظامی بود، در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود. مراقب بود که به کسی تعدی و ظلم نشود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود. این مسئله‌ی بروز یک جریان به ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدت‌ها قبل پیش‌بینی کرد. بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم با درایت و باهوشی بود. روحیه‌ی فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعا حالت فداکاری برای همه داشت. او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (رضوان الله علیه) بود.



THE NEW YORKER

نیویورکر (New Yorker): او یک مرد میانسال، دارای موهای جو گندمی و متواضع است. او پس از آنکه در سن کمتر از ۵۰ سالگی به فرماندهی سپاه قدس رسید به دنبال تغییر دومینوی قدرت در منطقه غرب آسیا به نفع ایران بود و در این پروسه با تأکید بر قدرت نظامی گام برمی داشت. او نقش مهمی در حمایت از سوریه دارد و به حضور نامحسوس خود در جهان ادامه می دهد. ژنرال سلیمانی یک استراتژیست فوق العاده است او خیلی باهوش تر از تصور هر آدمی است. این نشریه با اشاره به نقش موثر فرمانده سپاه قدس در منطقه و به خصوص در عراق و سوریه از قول یکی از مقامات آمریکایی یاد آور شد: سردار «قاسم سلیمانی» مرد قدرتمند منطقه غرب آسیاست.

the weekly
Standard

نشریه آمریکایی ویکی استاندارد

آقای همه فن حریف ایران

آیا کاری هست که سلیمانی نتواند انجام دهد؟ قاسم سلیمانی این روزها جالب ترین چهره دنیاست. فرمانده نیروهای قدس ایران مهم ترین استراتژیست نظامی دنیا از زمان رمل تا الان است.

سفیر سابق آمریکا در افغانستان (رایان کراکر): همان قدر که مقامات آمریکایی، سلیمانی را به جنگ افروزی متهم می کنند، او در ایجاد صلح نیز برای رسیدنش به اهدافش فعال بوده است. او در پایان دادن به درگیری های نیروهای مقتدی صدر و نیروهای عراقی در بصره نقشی حیاتی داشت.



نشریه لومند فرانسه:

او قوی ترین مرد خاورمیانه و چگوارای ایران است.



DER SPIEGEL

اشپیگل آلمان:
سردار سلیمانی شخصیتی نیست که در خانه بماند؛ وقتی که نیروهای خود را به نبرد می فرستد. او ژنرال نخبه ایست که همه ی تصمیمات آمریکایی ها را خنثی می کند. سلیمانی همیشه برخلاف تصمیمات آمریکا عمل می کند و البته موفق تر است.



ژنرال پترائوس - رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا: قاسم سلیمانی فردی بسیار توانمند، مدیر و دشمنی شایسته است. وی بازی خود را به خوبی انجام می دهد.

MEE
MIDDLE EAST EYE

میدل ایست ای انگلیس (Middle East Eye): قاسم سلیمانی چه از نگاه متحدانش و چه از نگاه دشمنان یکی از قدرتمند ترین بازیگران منطقه خاورمیانه قلمداد می شود. او مغز متفکر شطرنج راهبردی ایران در منطقه محسوب می شود. داعش به نماینده ی شیطان تبدیل شده و سلیمانی شوالیه ی سفیدی بود که با آن می جنگید.

The Atlantic

مجله آمریکایی آتلانتیک : ژنرال سلیمانی تجربه های گسترده ای در میدان های جنگ بدست آورده است. وی برای متحدان خود بسیار مورد تحسین و برای دشمنان مورد احترام است.

الإمارات اليوم

روزنامه صبح امارات عربی: مردی با موهای خاکستری، لبخندی مهربان و رفتاری موقر و متین، این قاسم سلیمانیست یکی از باهوش ترین فرماندهان خاورمیانه.

باراک اوباما: او دشمن من است ولی من برای او احترام ویژه ای قائل هستم.

نیویورک تایمز (The New York Times): [سلیمانی] دشمنی که هم مورد تنفر و هم مورد تحسین است.

نشریه آسیای پروتون: قاسم سلیمانی ژنرال شماره ۱ جهان است.

مجله آمریکایی وایررد: ژنرال قاسم سلیمانی خطرناک ترین و مرموزترین فرد در دنیاست که می تواند تنها تهدید کننده ی نظامی آمریکا در غرب آسیا و سراسر دنیا باشد.



ایشان انصافاً یک شخصیت منحصر به فرد بود



سردار حجازی: ایشان انصافاً یک شخصیت منحصر به فرد بود؛ یعنی دفاع از انقلاب و نظام اسلامی و پایبندی به مکتب امام خمینی (رحمه‌الله) را از نوجوانی و جوانی شروع کرده بود، اقدام عملی را به عنوان یک رزمنده و به عنوان یک مجاهد در جبهه‌های نبرد شروع کرده و در این جبهه‌ها بزرگ شده بود. سردار سلیمانی چهل سال در جبهه بود؛ فقط این نبود که در دوران داعش و این چندساله در جبهه باشد. او چهل سال در جبهه بود. حتی در سال‌های بین پایان دفاع مقدس و حضور ایشان در نیروی قدس، ایشان به‌عنوان فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق کشور وارد عمل شد و مبارزه بزرگی را علیه اشراک و قاچاقچیان مواد مخدر که امنیت مردم را در سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان به خطر انداخته بودند، شروع کرد. در آن سال‌ها وضع امنیتی در مناطق جنوب شرق خیلی نامناسب بود. ایشان امنیت را به آنجا برگرداند و به مردم هدیه کرد و بعد هم در نیروی قدس حضور یافت. این کارنامه درخشان و سراسر نوری است که سردار سلیمانی از خود بر جای گذاشته است. بسیار پرکار بود. سردار سلیمانی با آن همه تلاش و مشغله و حضور دائمی در میدان جنگ، بسیار اهل مطالعه بود.



آیت‌الله حسین نوری همدانی: سردار شهید ما، حاج قاسم سلیمانی، که بنده او را شهید فاطمی می‌دانم، عاشق زهرای مرضیه (س) بود و هیچ گاه اقامه عزای آن بانو از یاد و خاطرش نمی‌رفت. اخلاص، ایمان، استقامت، صبر، جهاد و شجاعت شهید سلیمانی موجب سعادتش شد، هیچ شأن و منزلتی در راه حفظ دین و کیان اسلام ناب برای خود قائل نبود و به راستی از فاطمه (س) الگو گرفته بود و پاداش مجاهدت را با شهادت در ایام فاطمیه دریافت کرد.



حجت‌الاسلام و المسلمین سید عبدالفتاح نواب - نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت: برخی گرفتار منیت‌های دنیایی هستند و پست، جایگاه، درجه و شئون اجتماعی و ... آنان را اسیر می‌کند، در صورتی که شهید سلیمانی آزاده بود. ایشان یک بار تعریف کرد که «خدمت رهبر معظم انقلاب بودم، به افراد هدایایی می‌دادند و به من نشان دادند، ولی من خوش‌تر داشتم که به من انگشتر خود را بدهند.» یعنی او به دنبال بعد معنوی مسائل بود. حاج قاسم سلیمانی حق مأموریت و اضافه کاری نمی‌گرفت و از این مسائل عبور کرده و آزاد بود و گرفتار نبود.

محمّد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کَفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نمو و رشد کرده است که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد.

سوره مبارکه فتح آیه ۲۹

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ



مردمان قصه‌کنند

گرد آورنده نظرات مردمی: زهرا ایزدی

ham-vatan0 یه ایران بود و یه سردار سلیمانی، یه جهان بود و یه سردار سلیمانی، هیچ کسی را نمی شود با او مقایسه کرد.

1m 20likes reply

ham-vatan1 حس پدانه ای که نسبت به کشور داشتن، آن دلسوزی که نسبت به کشورمان داشتن، این یک غرور بود برای کشورما، یک برگ برنده بود برای کشور ما، گردن ما خیلی حق دارند.

1m 20likes reply

ham-vatan2 یک اسطوره بود برای ایران، بهش می گن سردار دلها؛ واقعا سردار دلهاست، مرد بود.

1m 20likes reply

ham-vatan3 صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را-تا دگر مادرگیتی چو تو فرزند بزاید

1m 20likes reply

ham-vatan4 با شهادت ایشان کمر یک ملت شکست، به خاطر اخلاص و اخلاقتشان بود که بین مردم این همه محبوبیت دارند.

1m 20likes reply

ham-vatan5 قلب اسلام بود؛ که با شهادت ایشان این قلب تپنده تر شده است، شهادت هنر مردان خداست. شهادت اجر سال ها سختی ایشان بود. ایشان هست تفکرش، نگرشش، دستاوردهایش، همه هست و خواهد بود. نسل سلیمانی ها از راه می رسند.

1m 20likes reply

ham-vatan6 اگر سربه سر تن به کشتن-دهیم-اگر سرداری در ره میهن-به از آن که کشور به دشمن دهیم - راهش را ادامه می دهیم.

1m 20likes reply

ham-vatan7 ایشان نمونه بارز یک فرد تربیت شده دردامان اسلام ناب محمدی، پرورش یافته اسلام انقلابی و سربازی برای دفاع از آن بود.

1m 20likes reply

ham-vatan8 ایشان شخصیتی بودند که عظمتی در وجودشان بود؛ یک قدرت بزرگ، یک استحکام شخصیتی عجیب، در عین حال درچشمانشان که نگاه می کردی بسی عشق می دیدی؛ انگار یک جرعه از معرفت الهی هست و حالت دگرگون می شد. وقتی که می بینیدشان انگار عشق می بینید عشقی که از نگاهشان تراوش می کند .

1m 20likes reply

ham-vatan9 مگه میشه حسی که به ایشان داریم با زبان بیان کنیم؟ هرچی که بخوایم بگم می بینم کمه؛ مثلا دریک کلمه عشق، اسوه، شجاعت و ...

1m 20likes reply



ham-vatan10 من قبلا ایشون را نمی شناختم ولی وقتی اون اتفاق برایشون افتاد و عکس ایشون را دیدم حس کردم سالیان سال می شناسمشون. هر وقت هم عکس هایشون را می بینم این تو ذهنم میاد که یه آدم چقدر می تواند خوب باشه. میشه یه روزی منم مثل ایشان بشم؟

1m 20likes reply

ham-vatan11 با دیدن عکس سردار انسان احساس آرامش، امنیت و قدرت میکنه و یک غمی دردلش ایجاد میشه؛ به خاطر اینکه این انسان ارزشمند به شهادت رسید.

1m 20likes reply

ham-vatan12 من حاج قاسم را دوست داشتم یه جورایی برای محافظت از کشور [او را] یل می دیدم. همیشه درعین حال که قدرتمند بود، متواضع بود و اصل هم همینکه که برای دشمنان سخت باشی و قدرتت را نشون بدی ولی به خودی تواضع و مهربانی ات را. مهربانی و صمیمی بودن سردار با همه به چشم میاد.

1m 20likes reply

ham-vatan13 در همین چند ثانیه تا عکس ها را ببینم، حس آرامش [داشتم] حس فردی که بدون اغراق دلت می خواهد نگاهش کنی. حسی که منتقل می شود سرشار از زیبایی، حس عدالت خواهی و اینکه می دانم چنین انسانی [را] دیگر دنیا به خود نخواهد دید.

1m 20likes reply

ham-vatan14 فکر می کنم ایشان بزرگ مردی بودند که در بخش عظیمی از پیشرفت های سیاسی، نظامی ایران بعد از انقلاب اسلامی سهیم بودند. ایشان را عمیقاً دوست دارم و از نگاهشان در عکس ها این را می فهمم که باید تلاش کنیم خونشان هدر نرود و به ثمر بنشیند.

1m 20likes reply

ham-vatan15 قلبی آرام [داشتند] همانند دریا بودند و وجودشان امنیت جهان بود؛ مهربان و درعین حال جوانمرد.

1m 20likes reply

ham-vatan16 نمی دونم چی بگم فقط خیلی نیاز داشتم الان به این نگاه در عکس. فرد خیلی بزرگی بودن و برای همه محترم بودن، روحشان شاد.

1m 20likes reply

ham-vatan17 احساس می کنم حاج قاسم همیشه هستند و هیچ کسی جز خدا نمیتونه حاج قاسم را از ما جداکنه؛ یعنی جدانشدنی و نابود نشدنی هستند، همیشه در کنار ما هستند [حتی] پیش تر از گذشته.

1m 20likes reply



ham-vatan18 چشم هاشون آرامش خاصی داره، خنده هاشون از ته دل هست و بی ریا هستن.

1m 20likes reply

ham-vatan19 من ایشون رو درست نمی شناختم؛ فقط گاهی اسمشون رو توی اخبار می شنیدم و اقداماتشون رو کماکان می دونستم، تا بعد از شهادتشون مستند هایی ساختند و بیشتر معرفیشون کردند. نظرات و اعتقادات آدمای خیلی باهم متفاوتی ولی مطمئنم که هر کسی با هر اعتقاد و شخصیتی، ایشون رو قلباً دوست داره. من زمانی که خبر شهادتشون رو شنیدم واقعا ناراحت شدم و زمانی که بیشتر شناختمشون ارادت قلبی بیشتری بهشون پیدا کردم. احساسی که به ایشون دارم مثل زمانی هست که یه بچه بین تعداد زیادی از آدمای گم شده که هیچ کدوم را نمی شناسه و باهاشون غریبه است اما از بین اون همه آدم، آدمی رو می بینه که اون رو می شناسه، مسلماً دلش آروم میشه و احساس امنیت می کنه.

1m 20likes reply

ham-vatan20 آنقدر از وجود تو می ترسیدند که در دل سیاهی شب آن هم نه از راه زمین، بلکه آسمان تو را پر کردند. این را بدان در ایران غیور، مردانی به مانند تو زیاد هستند. تفکر سردار سلیمانی هر روز در دل و ذهن مردم زاده می شود و این دشمن خونخوار باید بداند که با هر بار کشتن یک سردار سلیمانی، صدها سردار سلیمانی دیگر متولد خواهند شد.

1m 20likes reply

خورشید مع ماند



در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید؟
* در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می شود، این ها رنگ خدا هستند، رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید؟

* (خطاب به علما) سربازتان از یک برج دیده بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند دین و آنچه از ارزش های آن [که] شما درحوزه ها استخوان خرد کرده اید و زحمت کشیده اید از بین می رود؟
* راه صحیح حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است؟

همانطور که مشاهده می شود محور جملات ایشان حمایت از ولایت فقیه و التزام حفظ جمهوری اسلامی است. شاید برای کسی که این جملات را می خواند این شائبه پیش بیاید که چرا پرداختن به مسائل انقلاب و ولایت فقیه ضرورت دارد؟

درپاسخ به این سوال باید چند موضوع را مدنظر داشت:

اول : چیستی ولایت فقیه

زمانه تغییر می کند؛ ابزار و حتی انسان ها، اما یک چیز تغییر ناپذیر است؛ اینکه انسان ها در هر بازه ای و در سیطره هر ابزاری محتاج فکرنده و اگر عقل و تفکر را از انسان بگیرند حیوانی چشم و گوش بسته بیشتر نخواهد بود. وقتی مسئله عقلانیت و تفکر به میان می آید تبیین و تحلیل مواضع، سخنان و رفتار افراد تاثیر گذار در سرنوشت ملت ها مسئله ای حیاتی می شود. یکی از افراد موثر در سرنوشت ملت های اسلامی در منطقه غرب آسیا سردار عزیز، شهید سلیمانی، است .

سخنان متعددی از ایشان شنیده ایم اما مباحث مطرح شده در وصیت نامه ایشان جامع و خطاب به آحاد مختلف جامعه است. در اینجا به تبیین مباحثی که محور کلی وصیت نامه است می پردازیم و به سوالاتی درخصوص متن آن پاسخ می دهیم.

چرا سردار می گوید:

* جمهوری اسلامی مرکز اسلام و تشیع است؟

* جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند دیگر حرم ها می مانند؟

* از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته

دوم : به چه علت صیانت از انقلاب ضرورت دارد؟

سوم : حمایت از ولی فقیه با چه مستندات صحیح است؟

در پاسخ به سوال اول:

حکومت ها براساس جهان بینی حکومتی دو نوع اند، یا حکومت الهی است و یا طاغوتی می باشد.

در حکومت الهی ، منبع قوانین خداوند است که براساس مصالح و شناخت از ابعاد وجودی انسان ها قوانین را تشریح می کند. اگر به طور ایده آل به حکومت الهی نگاه شود این حکومت باید توسط کسی که درجه عصمت دارد مدیریت شود اما باید دید در بازه ی زمانی که حکومت به دست معصوم نیست آیا باید نسبت به تشکیل حکومت الهی بی توجه بود؟

راهکار اسلام برای تشکیل حکومت اسلامی در غیبت امام معصوم ولایت داشتن فقیه جامع الشرایطی که توانایی مدیریت جامعه را دارد. اسلام تنها به احکام عبادی نپرداخته است، بلکه در زمینه مسائل اقتصادی، مالیاتی، جزایی، حقوقی، دفاعی، معاهدات بین المللی و ... نیز مقرراتی دارد. از طرفی احکام اسلام نسخ نشده و تا قیامت باقی است.

اجرای احکام اسلام جز از طریق تشکیل حکومت ممکن نیست . حفظ نظام، جلوگیری از اختلال و هرج و مرج و حفاظت از مرزهای کشور اسلامی در مقابل متجاوزان که عقلاً و شرعاً واجب است، جز با والی و حکومت میسر نیست.

برای پاسخ به سوال دوم به نقشی که انقلاب و جمهوری اسلامی در گسترش و حفظ اسلام داشته است می پردازیم:

رویش انقلابی: ابراهیم زکزاکی روحانی شیعه که رهبر شیعیان نیجریه است با تأثیر از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)

شیعه شد و با تأسیس جنبش اسلامی نیجریه، مدارس اسلامی در نیجریه و کشورهای همسایه آن تأسیس کرد و باعث گرایش میلیون ها نفر به مکتب اهل بیت عصمت (ع) شد.

شیخ زکزاکی: « زمان انقلاب اسلامی ایران در تصاویر و اخبار به ویژه از رسانه های غربی رویدادهای این کشور را می دیدم. ما در دانشگاه به فعالیت های اسلامی می پرداختیم و سازمانی به نام «انجمن اسلامی سوره نیجریه» تشکیل دادیم که من دبیرکل آن بودم. در اواخر دهه ۷۰ معاون امور بین الملل این انجمن نیز شدم و در سال ۱۹۸۰ میلادی برای نخستین سالگرد انقلاب اسلامی به ایران آمدم. پیش از آمدن به ایران به عنوان یک مسلمان به فعالیت هایی مشغول بودم و آرزو می کردم کشور اسلامی داشته باشیم و بتوانیم کنترل کشور خود را به دست بگیریم؛ زیرا حکومت ما کمونیستی بود، اما بعد از اینکه از ایران دیدن کردم، تمام دیدگاه هایم تغییر کرد. ما به یک الگوی ایرانی و تعلیمات امام خمینی (ره) احتیاج داشتیم.»

تشکیل بسیج مردمی عراق (حشدالشعبی) از برکات بسیج ایران

رئیس شورای مردمی عراق، الحسینی: «تشکیل بسیج مردمی در این کشور از معجزه های تاریخ و باقیات صالحات امام خمینی (ره) و الگویی از بسیج ایران است.»

و اما همین بسیج شدن حشدالشعبی در عراق سد محکمی برای پیشروی داعش شد که سیطره داعش بر سرزمین عراق را پایان داد.

حزب الله لبنان هم به منظور مقابله با اسرائیل با حمایت های جمهوری اسلامی شکل گرفت که نقش آن را در جبهه مقاومت بالخصوص در سال های اخیر در مبارزه با گروه داعش شاهد بودیم.

همانطور که می بینید جمهوری اسلامی بعد از شکل گیری باعث جرقه زدن انقلابی گری و

بود و وساطت می‌کرد و می‌آمد لبنان و می‌رفت. او بعداً نقل کرد و گفت «در آن روزها آمریکایی‌ها ابداً اجازه نمی‌دادند بحث توقف جنگ مطرح بشود. من ناامید شدم؛ رفتم در خانه‌ی خودم استراحت کنم که دیدم ناگهان سفیر اسرائیل در سازمان ملل سراسیمه آمد دنبال من. با عجله و با نگرانی به من گفت که کجا هستی؟ گفتم مگر چیز جدیدی شده؟ گفت برویم سازمان ملل. آمدم دیدم این جان بولتون خبیث خیلی نگران و مضطرب دارد قدم می‌زند. هر دو به من گفتند الان باید جنگ متوقف بشود. گفتم چرا؟ گفتند اگر جنگ متوقف نشود، ارتش اسرائیل از هم می‌پاشد و متلاشی می‌شود.» لذا اسرائیلی‌ها همه‌ی شروط قبلی خودشان را نادیده گرفتند و از آن‌ها عبور کردند و مجبور شدند شروط حزب‌الله را قبول بکنند و آتش‌بس را بپذیرند و این پیروزی بسیار بزرگ برای حزب‌الله رقم خورد؛ نه‌تنها پیروزی حاصل شد بلکه این اتفاق، نقطه‌ی پایانی شد بر تصور هجوم رژیم صهیونیستی به لبنان که این تا به امروز هم ادامه پیدا کرده است؛ یعنی نه‌تنها حزب‌الله بر تصور هجوم رژیم صهیونیستی به لبنان اثرگذار شد بلکه بر تصور رژیم صهیونیستی برای هر هجومی اثرگذار شد. من عرض می‌کنم بعد از جنگ ۳۳ روزه، راهبرد رژیم صهیونیستی، از استراتژی بن‌گوریون در جنگ پیش‌دستانه و هجومی، آرام‌آرام به استراتژی دفاعی تبدیل شد.»

افول آمریکا که در ۲۰ سال گذشته مشاهده شده است و در سال‌های اخیر سرعت گرفته است به طور متعدد در سخنان ولی فقیه دیده می‌شود:

« قدرت استکباری آمریکا هم از بین خواهد رفت، او هم متلاشی خواهد شد،

مقاومت اسلامی بیش از گذشته در بین ملت‌های مسلمان شده است. به وجود آمدن رویش‌های انقلابی در گسترش تفکر اسلامی به خصوص مکتب شیعه در جهان اسلام قابل انکار نیست، هرچند جبهه‌های ضداسلام با تبلیغات گسترده درصدد انکار آن هستند.

در پاسخ به سوال سوم: مستنداتی وجود دارد که حکیمانه بودن سخنان و تأکیدات رهبر معظم انقلاب را تأیید می‌کند.

درخصوص جنگ ۳۳ روزه لبنان گوشه‌ای از سخنانی که رهبر انقلاب داشته‌اند و به حقیقت پیوسته است را در جملات سردار شهید سلیمانی می‌خوانیم:

« از تهران اصرار داشتند که من به تهران بیایم تا درباره‌ی جنگ توضیح بدهم... من گزارشی از حادثه دادم. گزارش من گزارش تلخی بود. یعنی مشاهدات من افقی از پیروزی را نشان نمی‌داد... من این مسائل را در آن جلسه گزارش دادم.

گزارش من تمام شده بود. آقا شروع به صحبت کردند. چند مطلب را فرمودند، از جمله اینکه فرمودند: «نکاتی که فلانی گفتند پیرامون جنگ، همین‌طور است؛ این جنگ، جنگ بسیار سخت و شدیدی است اما من تصور می‌کنم این جنگ شبیه جنگ خندق است.» آقا آیات جنگ احزاب یا همان جنگ خندق را قرائت کردند و حالت مسلمان‌ها، حالت اصحاب و یاران پیغمبر، حالتی که بر صف آن‌ها حاکم بود را بیان کردند. بعد فرمودند: «اما من تصورم این است که پیروزی این جنگ، همانند پیروزی جنگ خندق خواهد بود.» من در دلم تکان خوردم، چون اصلاً چنین ظنی از نظر نظامی نداشتم. یعنی در دلم تمنا کردم کاش آقا این را نمی‌فرمودند که نتیجه‌ی این جنگ، پیروزی است. جنگ احزاب، پیروزی بزرگ پیامبر بود.»

جنگ ۳۳ روزه لبنان نتایجی را در بر داشت که سردار سلیمانی در این خصوص می‌گوید:

« آقای حمد آل خلیفه که نخست‌وزیر قطر بود، وزیر خارجه بود. او در سازمان ملل

این قدرت جهانی ماندنی نیست، اسرائیل هم ماندنی نیست.» (سال ۱۳۷۰)

«امروز حتی قدرتی مثل قدرت آمریکا - که البته از لحاظ اقتصادی، از لحاظ ثروت ملی، از لحاظ پیشرفت علمی و نظامی در سطح بالاست - به شدت آسیب پذیر است و از درون تهدید می شود. در تظاهرات آمریکایی این را نمی شود دید؛ ما که از بیرون نگاه می کنیم، نمی توانیم این را درست ببینیم؛ اما اندیشمندان و فیلسوفان سیاسی خود آمریکا این هشدار را می دهند و در کتابهای متعدد نوشته اند. امروز را در آمریکا تشبیه می کنند به دهه ۶۰ آمریکا - از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰؛ دهه جنگ ویتنام - و معتقدند دهه ۱۹۶۰، دهه تزلزل آمریکا بود؛ دورانی که جنگ ویتنام بود و دانشگاههای آمریکا، خیابانهای آمریکا و محیط های مردمی آمریکا در یک چالش دائمی با دولت بود. جنگ تمام شد، آن آتش هم تا حدودی فرو نشست؛ چون مظهری نداشت. امروز و در دهه اول هزاره سوم، می گویند شرایط برای آنها، شرایط دهه ۶۰ است؛ منتها ویرانی از درون است - ویرانی اخلاقی است، ویرانی ایمانی است - نقطه تمرکز ایمان برای مردم و جوان ها نیست. علم پیشرفت می کند، آزمایشگاه ها کار می کنند، ساخت و ساز علمی و صنعتی و اتمی و غیره پیش می رود؛ اما روزه روز هویت ملی ضعیف تر می شود. این را آنها می گویند؛ این آسیب پذیری مهمی است. انتظار نیست که ما این را در ژست های رئیس جمهور آمریکا مشاهده کنیم، یا در حرف های آنها اقرار به آن را بشنویم؛ اما واقعیتی است.» (سال ۱۳۷۹)

« آمریکا روند نابودی رژیم استکباری خودش را آغاز کرده، خیلی هم پیشرفته و مردم دنیا شاهد این خواهند بود؛ هرچند با استفاده از قدرت، سروصدایی می کند.» (سال ۱۳۸۳)

نتیجه نهایی این است که ولایت فقیه در نشر اسلام و صیانت از آن نقش حیاتی دارد و اگر حرم جمهوری اسلامی نباشد، حرم های ائمه اطهار نیز در خطر قرار می گیرد.

* جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند دیگر حرم ها می مانند.

* جمهوری اسلامی مرکز اسلام و تشیع است.

* از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید.

* در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می شود، این ها رنگ خدا هستند، رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

* (خطاب به علما) سربازتان از یک برج دیده بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند دین و آنچه از ارزش های آن (که) شما درحوزه ها استخوان خرد کرده اید و زحمت کشیده اید از بین می رود.

* راه صحیح حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.

نویسنده: زهرا رامک

حاج قاسم!

این بار برای گرامیداشت ۴۰ سال سربازی تان نوشتیم؛ برای شامی که سربازی ولایت را فدای ترویج دینا نکرید و مرد میدان ماندید. دوسال است که هر هفته، به وقت ساعت (شکلی، دلمان می شکند. چشم ما هنوز پشت ریموار آن شب مانده است؛ چشم انتظار اینکه آن ریموار فرو بریزد و شما بلند شوید و بگویید همه اش خواب بود. بگویید خیالی بیش نبود و جان از تن رفته مان بازگردد. هم ما از عشقِ سال‌ها مبارزه، یک مرد بود که شیه هیچ کس نبود. سالها بود که سرپای شما را مردمان قصه کرده بودند و حال نیز. همه می‌دانند که خورشید با تیغ ابر بریده نمی‌شود؛ خورشید می‌ماند.

از ما به شما منتقمی که می‌دانیم انتقام سختی را انتظار می‌کشی:

تَرْوُلُ الْجِبَالِ وَ لَا تَرْوُلُ عَصَى نَاجِدِكَ
أَعْبَرَ اللَّهُ جُمُومَتَكَ
تَدُّ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ
أَزِمُ بِبَصْرِكَ أَفْصَى الْقَوْمِ
وَ عَصَى بَصْرِكَ
وَ أَعْلَمُ أَنَّ النَّصْرَ
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ
«خطبه ۱۱ نهج البلاغه»

